



## فراز و فرودهای نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران ■ درس‌هایی برای آینده

حجت الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی

آن و نیز ضرورت مدیریت نقدینگی و رابطه نقدینگی با تورم را مورد بررسی قرار دهد و در حقیقت، به بحث درباره نقش و تأثیر عوامل پولی و خلق پول و تأثیر آن در تورم عمومی و افزایش قیمت‌ها بپردازد و نشان دهد که عمده عوامل تورمی در اقتصاد ایران، به‌علاوه تورم وارداتی و انتظارات تورمی و عدم تخصیص بهینه منابع ارزی و ریالی کشور و عوامل روانی، اجتماعی و عوامل ساختاری، کسری و عدم تعادل

### مقدمه

یکی از مسائل مهم و مبرم کشور که همه در مورد آن اتفاق نظر دارند، ضرورت مبارزه با گرانی، تورم و جلوگیری از روند کاهش قدرت خرید مردم، حفظ قدرت خرید پول ملی و مبارزه با علل و عوامل و ریشه‌های این بیماری تلخ و این پدیده ویرانگر اقتصادی است.

این مقاله بر آن است تا مسئله رشد نقدینگی، علل و عوامل و راه‌های مبارزه با

## گزارش ویژه

دیداری و غیردیداری) که قدرت خرید بالفعل جامعه را تشکیل می‌دهد.

### د- شیوه افزایش

عبارت است از چاپ و نشر اسکناس، بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، بدهی شرکت‌های دولتی به بانک‌ها یا بانک مرکزی، بدهی خارجی سیستم بانکی که عمدتاً به صورت کسری بودجه صورت خواهد گرفت.

گفتنی است که سرعت گردش پول به‌ویژه در بخش‌های غیرتولیدی، اثر نقدینگی را افزایش خواهد داد.

### آثار رشد نقدینگی

۱- چنانچه حجم نقدینگی نسبت به حجم تولیدات کاهش پیدا کند و تولیدات افزایش یابد، مطلوب است.

۲- اگر حجم نقدینگی افزایش یابد و رابطه معقول و منطقی بین حجم پول و نقدینگی و عرضه کل برقرار شود و به همان نسبت تولیدات و خدمات افزایش یابد، این روند مطلوب و پذیرفتنی است.

۳- اگر حجم نقدینگی و گردش پول از روند نرم، ملایم و قابل قبولی برخوردار باشد، باز قابل قبول است.

۴- اگر حجم نقدینگی در یک دوره زمانی محدود، از رشد دو رقمی یا بیشتر برخوردار باشد و بلافاصله در بخش‌های تولید تأثیر بگذارد و موجب

بودجه، رشد نقدینگی، فشار بیش از حد روی سیستم بانکی، چاپ و نشر اسکناس، افزایش بدهی‌های دولت و شرکت‌های وابسته به دولت، به سیستم بانکی و سیاست‌های انبساطی پولی و عدم رابطه صحیح و منطقی بین حجم پول منتشره و نقدینگی حاصل با تولید و عرضه محصولات و کالاها و خدمات مربوط است که امید است مورد توجه کارشناسان و صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران محترم قرار گیرد و در نهایت، شاهد اقتصادی سالم و پویا در روند استقرار عدالت باشیم.

در این رابطه به چند مسئله مبرم و حساس، از جمله نقدینگی و تعادل بودجه‌ای توجه شده و حتی المقدور از طرح جزئی یا فرعی و متغیرهای غیرعمده یا برون‌زا پرهیز شده است.

وضعیت نقدینگی، آثار و تبعات آن،

پیشنهادها و راه‌حل‌ها

الف- تعریف نقدینگی

نقدینگی عبارت است از حجم پول و شبه پول.

ب- افزایش نقدینگی

عبارت است از افزایش حجم پول (مسکوک و غیر مسکوک) و شبه پول (سپرده‌های دیداری و غیردیداری، کوتاه‌مدت و درازمدت) در طول یک دوره زمانی مشخص.

ج- اجزای نقدینگی

عبارت است از: پول و شبه پول (سپرده‌های



۳۲۸ میلیارد ریال در «پایان» سال ۱۳۶۷ افزایش یابد که با توجه به روند کاهنده تولید، افزایش قیمت‌ها را سبب شده است. در صورت ادامه روند موجود، میزان کسری بودجه در سال ۱۳۷۷ به ۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال افزایش خواهد یافت و با توجه به افزایش حجم نقدینگی و کاهش تولید، قیمت‌ها همچنان افزایش یافته، باعث کاهش قدرت خرید اقشار محروم خواهد شد. نکته قابل توجه آن است که تورم ناشی از سیاست‌های مالی دولت، باعث کاهش قدرت خرید بودجه دولت می‌شود و به علت عدم رشد بودجه در حد رشد تورم، از نتیجه آثار اقتصادی مثبت بودجه دولت در فعالیت‌های اقتصادی به تدریج کاسته می‌شود.

در صفحه ۱-۵ چنین آمده است: به علت عدم امکان افزایش درآمدها و حجم گسترده وظایف دولت، وجود شکاف بین عرضه و تقاضای پول (عدم تعادل پولی) به علت روند فزاینده حجم نقدینگی، تحت تأثیر سیاست‌های مالی دولت و همچنین رکود در بخش‌های مختلف اقتصادی، وجود شکاف بین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز (عدم تعادل مالی) به علت افزایش پس‌انداز ملی و به کارگیری آن در فعالیت‌های غیرمولد تجاری و خدماتی و نبودن مکانیسم‌های تشویق و هدایت منابع عاطل جامعه به سمت تولید و سرمایه‌گذاری، وجود شکاف بین واردات و صادرات (عدم تعادل در موازنه پرداخت‌ها) و ... همگی از جمله عوامل مهمی هستند که اگر به آنها پرداخته نشود، سبب بروز بحران‌های جدی

ایجاد اشتغال، افزایش تولید و بازدهی مناسب شود، هر چند در فاصله زمانی محدود، اما بلافاصله آثار تزریق نقدینگی در بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا و زیربنایی دیده شود و آثار مطلوب آن به جریان و سیکل اقتصادی جامعه باز گردد، باز قابل قبول است و در مواردی باید آن را توصیه کرد.

۵- اما اگر حجم و روند افزایش نقدینگی در یک دوره زمانی طولانی افزایش یابد و رابطه آن با تولید به طور کامل و منطقی برقرار نشود و فاصله بین نقدینگی و تولید فزاینده باشد و تعادل‌ها را برهم بزند، این وضعیت نمی‌تواند مطلوب باشد و توصیه نمی‌شود؛ چون موجب تورم، بر هم خوردن تعادل‌های بودجه‌ای و پولی، مالی، بازرگانی و اقتصادی و تخریب ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه خواهد شد.

در اینجا لازم است به رابطه بین حجم نقدینگی و تولید کنونی کشور در طول برنامه اول توجه شود. رشد چند درصد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری چند درصد، افزایش نقدینگی چند درصد و در نتیجه تورم چند درصد که بحث دیگری را می‌طلبد.

### پیش‌بینی روند حجم نقدینگی در برنامه اول

در مقدمه برنامه اول صفحه ۱-۲ چنین آمده است: اثرات رشد فزاینده کسری بودجه، باعث شده که حجم نقدینگی به ۱۵ هزار و

## گزارش ویژه

ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش خواهد یافت که نشان‌دهنده رشد سالانه به‌طور متوسط معادل ۸/۴ درصد است.

با توجه به نتایج محاسبات انجام شده، حجم نقدینگی، به‌عنوان تابعی از تغییرات خالص دارایی‌های خارجی، خالص بدهی بخش دولتی و بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی محاسبه شده است. در نتیجه، رشد حجم نقدینگی برای سال‌های برنامه به این شرح برآورد می‌شود:

| سال            | ۱۳۶۸ | ۱۳۶۹ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۱ | ۱۳۷۲ |
|----------------|------|------|------|------|------|
| درصد رشد متوسط | ۱۰/۸ | ۱۱/۸ | ۹/۲  | ۵/۹  | ۳/۵  |
|                |      |      |      |      | ۸/۲  |

### نرخ تورم

با توجه به نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و حجم نقدینگی مورد پیش‌بینی، رشد شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از حدود ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۸/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش خواهد یافت. این روند، نشانگر مهار تدریجی نرخ تورم نسبت به سال‌های گذشته است.

براساس جدول شماره ۸ پیوست شماره ۱ قانون برنامه اول صفحه ۲-۱۹، حجم نقدینگی از ۱۵۳۲۸/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۲۲۷۰۶/۹ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۷۲ با نرخ متوسط ۸/۲ رشد خواهد رسید.

جالب این‌که این عدد با همه کسری‌های سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ از ۱۲۶۶۸/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۷۴۸۹/۲ میلیارد

اقتصادی خواهند شد. در صفحه ۲-۷ چنین آمده است:

حجم نقدینگی که عمدتاً در اثر افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در پنج سال گذشته سالانه به‌طور متوسط ۱۵/۳ درصد رشد داشته است، در برنامه پنج‌ساله، به‌طور متوسط حدود ۸/۲ درصد کاهش خواهد یافت؛ به‌طوری‌که از ۲۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۲ تنزل می‌یابد. حجم نقدینگی در سال‌های برنامه، براساس عوامل تعیین‌کننده عرضه پول به این شرح برآورد شده است:

### خالص دارایی‌های خارجی

در طول سال‌های برنامه، خالص دارایی‌های خارجی، معادل سال ۱۳۶۷ در سطح ۷۲۴ میلیارد ریال ثابت فرض شده است.

### خالص بدهی بخش دولتی

■ استقراض دولت از سیستم بانکی در طول سال‌های برنامه، به‌عنوان تغییرات خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی منظور شده است.

■ در مورد استقراض شرکت‌های دولتی چنین فرض شده که افزایش سالانه بدهی آنها برابر با افزایش سالانه مجموع سپرده‌های بخش دولتی نزد سیستم بانکی باشد. با این فرض، خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از ۱۱۶۷۶/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۷۴۸۹/۲ میلیارد



سال ۱۳۷۳: ۶۰,۰۰۰ میلیارد ریال که در عمل حدود ۶۲ هزار میلیارد ریال اتفاق افتاده است.

سال ۱۳۷۴: ۶۶,۷۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی قانون بودجه بود و عملاً به حدود ۸۵ هزار میلیارد ریال بالغ شده است.

سال ۱۳۷۵: به ۱۱۳,۰۰۰ میلیارد ریال افزایش یافته (با رشدی بیش از ۳۰ درصد).<sup>۱</sup> در ضمن، در جدول ۲، میزان انحراف از برنامه‌های اول و دوم در نمودار مربوط، رابطه نقدینگی و تورم ارائه شده است.

#### روند نقدینگی در برنامه اول (عملکرد و مصوب)

■ اما نسبت به این‌که خالص دارایی‌های خارجی ثابت بماند، عملاً برخلاف آن اتفاق افتاده و با توجه به تغییر نرخ ارز تمام محاسبات دگرگون شده و با توجه به بدهی‌های خارجی و تراز ارزی منفی، بند مربوط به این قسمت اتفاق نیفتاده و تعهدات جدیدی برای کشور به وجود آمده است.

■ استقراض دولت نیز بسیار محدود پیش‌بینی شده است.

■ اما آنچه در مورد شرکت‌های دولتی پیش‌بینی شده، این است که افزایش بدهی‌های سالانه آنها معادل مجموع سپرده‌های بخش دولتی نزد سیستم بانکی

۱. باید یادآور شد طبق جدول پایه پولی و نقدینگی و نرخ تورم در برنامه دوم باید این رقم در پایان برنامه دوم حداکثر به ۹۶/۸۲۵ هزار میلیارد ریال (جدول شماره ۴) با نرخ ۱۷/۵ رشد بالغ می‌شد و شاخص قیمت‌ها نیز در طول برنامه دوم به طور میانگین ۱۷/۴ افزایش می‌یافت و پایه پولی کشور نیز در همین سطح رشد می‌کرد. (جدول شماره ۱۰ قانون برنامه دوم) جدول شماره ۴.

میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته و نرخ رشد آن در سال ۱۸,۱۳۶۶ درصد و در سال ۲۱,۱۳۶۷ درصد بوده است و این در حالی است که شرایط آن سال‌ها و کاهش شدید درآمد ارزی و کسری بودجه و شرایط جنگی کشور کاملاً روشن است.

آنچه گذشت، پیش‌بینی روند نقدینگی در برنامه اول و کاهش آن، تلاش در جهت حفظ قدرت خرید پول، کارا کردن اقتصاد، کاهش فشار بر سیستم بانکی، کاهش استقراض مستقیم و غیرمستقیم داخلی و خارجی و ایجاد تعادل‌های ارزی، ریالی، مالی و اقتصادی بود و سیاست‌های مربوط به کنترل آن را در محورهای یاد شده بیان می‌کرد.

آنچه در عمل در این بخش اتفاق افتاده، چکیده‌وار بیان می‌شود:

جدول ۱ - رشد نقدینگی در طول سال‌های دهه ۱۳۶۲-۱۳۷۲

| ردیف | سال  | رشد نقدینگی |
|------|------|-------------|
| ۱    | ۱۳۶۲ | ۷۵۱۴/۴      |
| ۲    | ۱۳۶۳ | ۷۹۶۶/۹      |
| ۳    | ۱۳۶۴ | ۹۰۰۲/۱      |
| ۴    | ۱۳۶۵ | ۱۰۷۲۲/۷     |
| ۵    | ۱۳۶۶ | ۱۲۶۶۸/۱     |
| ۶    | ۱۳۶۷ | ۱۵۶۸۷/۴     |
| ۷    | ۱۳۶۸ | ۱۸۷۵۳/۳     |
| ۸    | ۱۳۶۹ | ۲۲۹۶۹/۵     |
| ۹    | ۱۳۷۰ | ۲۸۶۲۸/۴     |
| ۱۰   | ۱۳۷۱ | ۳۵۸۶۶       |
| ۱۱   | ۱۳۷۲ | ۴۸۱۳۱/۱     |

جدول ۲ - حجم نقدینگی براساس پیش‌بینی قانون برنامه و اعلام بانک مرکزی  
(ارقام به میلیارد ریال)

| ردیف | سال  | حجم نقدینگی طبق قانون برنامه | حجم نقدینگی طبق اعلام بانک مرکزی | انحراف از برنامه (درصد) |
|------|------|------------------------------|----------------------------------|-------------------------|
| ۱    | ۱۳۶۸ | ۱۶۹۸۷/۹                      | ۱۸۷۵۳/۳                          | ۱۰/۴                    |
| ۲    | ۱۳۶۹ | ۱۸۹۷۲/۸                      | ۲۲۹۶۹/۵                          | ۲۱/۰۵                   |
| ۳    | ۱۳۷۰ | ۲۰۷۲۶/۲                      | ۲۸۶۲۸/۴                          | ۳۸/۱۲                   |
| ۴    | ۱۳۷۱ | ۲۱۹۳۹/۹                      | ۳۵۸۶۶/۰                          | ۶۳/۴۷                   |
| ۵    | ۱۳۷۲ | ۲۳۷۰۶/۹                      | ۴۸۱۳۵                            | ۱۱۲                     |
| ۶    | ۱۳۷۳ | ۵۳۸۵۸/۲                      | ۶۱۸۴۳/۹                          | ۱۵                      |
| ۷    | ۱۳۷۴ | ۶۰۵۹۰                        | ۸۵۰۷۲/۲                          | ۴۰/۴                    |
| ۸    | ۱۳۷۵ | ۶۸۱۶۴                        | ۱۱۳,۱۳۶/۳                        | ۶۵/۹                    |

باشد، ملاحظه می‌شود که این موضوع در عمل اتفاق نیفتاده و همواره بدهی این بخش بیشتر از مجموع سپرده‌ها، بوده است.

### بند ۴ اصلاحات مالی و پولی گزارش شهریور ماه سال ۱۳۷۱ سازمان برنامه و بودجه

در برنامه اول، در زمینه سیاست‌های پولی، کنترل حجم نقدینگی و پیشبرد سیاست‌های اعتباری مناسب با این اهداف، سرلوحه سیاست‌های پولی قرار گرفته بود.

طی سه سال گذشته، مخارج دولت بسیار بیشتر از آنچه در برنامه پیش‌بینی شده بود، انجام گرفت. با این حال میزان کسر بودجه در حد پیش‌بینی شده در برنامه قرار داشت. در بخش پولی نیز توسعه شدید اعتبارات، باعث افزایش فوق‌العاده حجم نقدینگی شد؛ به نحوی که حجم نقدینگی در

پایان سال ۱۳۷۰ از رقم پیش‌بینی شده در سال پایانی برنامه فراتر رفته است. از جمله عواملی که لزوم رشد اعتبارات را در این سال‌ها باعث شد، وقوع حوادث غیر مترقبه مانند سیل و زلزله بود. عامل دیگری که باعث افزایش تقاضا برای اعتبارات شد، اصلاح قیمت‌ها از جمله افزایش قیمت ارز تحویلی به پاره‌ای از صنایع و فعالیت‌های اقتصادی بود. این صنایع برای رفع نیازهای خود در قیمت‌های آزاد و رقابتی ارز به جای قیمت‌های دولتی و ترجیحی، تقاضای خود را برای اعتبارات افزایش دادند.

بدین ترتیب، سیاست انبساطی پولی عملاً آثار اصلاحی ناشی از اصلاح قیمت ارز را تا حدودی خنثی می‌کند. چون در حقیقت، قیمت اعتبارات بانکی، کمتر از قیمت تعادلی آن است. با اصلاح بازار ارز و کاهش عدم تعادل در این بازار، فشار تقاضا



صحیح است، به همان دلیل ممکن است برای کل صحیح نباشد. اگر یک دستگاه، به تنهایی زیادتر هزینه کند، کار بیشتری انجام می‌دهد. اما اگر تمام دستگاه‌ها، هم‌زمان زیادتر هزینه کنند، در اثر رقابت برای خرید و جذب منابع کار، یکدیگر را با اشکال روبه‌رو کرده، به تورم قیمت‌ها دامن می‌زنند.

این واقعیت که قرار بود کشور سیاست‌های تعدیل را اجرا کند، ضرورت اتخاذ سیاست‌های مالی و پولی انقباضی را برای چند سال اجتناب‌ناپذیر می‌کرد؛ اما عملکرد دستگاه‌های دولتی در این زمینه، افزایش قابل ملاحظه هزینه‌های ریالی و به تبع استقراض مؤسسات وابسته به دولت از بانک مرکزی و بانک‌های تجاری، افزایش چشمگیر نقدینگی را به همراه داشت و به تورم قیمت‌ها دامن زد. این تلاش همه‌گیر برای افزایش هزینه‌ها، در واقع، ناقض هدف اصلی بود و باعث گُندی روند سرمایه‌گذاری دولتی و اتمام طرح‌ها و به نتیجه رسیدن آنها شد.

پیداست که بحث بر سر سیاست‌های انقباضی و کنترل حجم نقدینگی و هدایت آن در برنامه اول و کاهش روند آن تا ۳/۵ درصد در پایان برنامه است، اما در عمل اتفاق دیگری افتاده و رشد نقدینگی سالانه ۲۵/۱ درصد به‌طور متوسط بوده و در سال ۱۳۷۲ این رقم به ۳۴/۱ درصد یعنی حدود ده برابر مبلغ پیش‌بینی شده، رسیده است. در حالی که وضعیت تولید از چنین رشدی برخوردار نبوده است.

به بازار اعتبارات مستقل شده، عدم تعادل بیشتری را به آن تحمیل می‌کند و در نهایت، حجم نقدینگی برخلاف گذشته که از طریق افزایش بدهی دولت به سیستم بانکی گسترش می‌یافت، این بار از طریق افزایش بدهی بخش خصوصی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی افزایش یافته است.

یکی از نکات قابل ملاحظه و درخور توجه در سیاست‌های پولی - مالی کشور، روحیات حاکم بر دستگاه‌های اجرایی است. در سال‌های طولانی، دستگاه‌های اجرایی، منابع ریالی و ارزی دولت را به عنوان منابع سوخت شدنی تلقی کرده‌اند، علی‌رغم تصریح قانون برنامه که اعتبارات عمرانی را به عنوان وام تلقی می‌کند، دستگاه‌ها، هزینه اعتبارات مصرفی خود را صفر به حساب می‌آورند. به همین لحاظ، کمتر توجه می‌شود که کارهای انجام شده با چه هزینه‌ای صورت می‌گیرد و آیا نتیجه آن با هزینه انجام شده هماهنگی دارد یا نه. این سابقه ذهنی در دستگاه‌های اجرایی، همراه با شوق و ذوق، جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته، جبران و خسارات ناشی از جنگ تحمیلی، باعث شروع فعالیت‌های عمرانی و شروع طرح‌های جدید توسط تمام دستگاه‌ها و افزایش هزینه‌های عمرانی مربوطه در سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی شد.

این تلاش همه‌جانبه و عمومی، شرایط مالی کشور را مصداق «تناقض ترکیب» کرده است. یعنی آنچه در مورد اجزای یک کل

## نقدینگی و سطح قیمت‌ها

سازمان برنامه در گزارش دیگری درباره عملکرد برنامه پنج‌ساله چنین آورده است:

در برنامه اول، علی‌رغم کاهش کسر بودجه و کاهش استقراض دولت از سیستم بانکی، تحت تأثیر افزایش شدید اعتبارات اعطایی به شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و نیز اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی ناشی از اتخاذ سیاست‌های شدید انبساطی، حجم نقدینگی بخش خصوصی در پایان سال ۱۳۷۱ به ۳۵۸۶۶ میلیارد ریال بالغ شد. این رقم نسبت به سال ۱۳۶۷ به‌طور متوسط سالانه ۲۳ درصد افزایش داشته است. میزان نقدینگی در سال ۱۳۷۲ به ۴۸۱۳۵/۱ میلیارد ریال رسیده است که نسبت به سال قبل از افزایشی معادل ۳۴/۱ درصد برخوردار بوده که در مقایسه با رشد پیش‌بینی شده در برنامه (۳/۵ درصد در سال ۱۳۷۲) نمایانگر وضعیت نامطلوبی است. به‌طور کلی، طی دوره برنامه، نقدینگی به‌طور متوسط، سالانه ۲۵/۱ درصد رشد داشته که از رشد پیش‌بینی شده در برنامه، بسیار فراتر بوده است.

تحت تأثیر افزایش شدید نقدینگی در سال‌های برنامه، سطح قیمت‌ها (شاخص قیمت خرده‌فروشی) به‌طور متوسط سالانه ۱/۸ درصد افزایش داشته که از رشد پیش‌بینی شده در برنامه (۱۴/۴ درصد) بیشتر بوده است.

باید افزود که برعکس سال‌های گذشته

که افزایش نقدینگی عمدتاً ناشی از کسر بودجه یعنی ناشی از افزایش خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی بوده است، طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ افزایش نقدینگی عمدتاً تحت تأثیر افزایش بدهی بخش خصوصی تحقق یافته است. از ۳۲۴۲۷/۵ میلیارد ریال افزایش در نقدینگی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ بالغ بر ۲۳۱۷۱/۱ میلیارد ریال آن، مربوط به بدهی بخش خصوصی و ۱۴۳۰۶/۶ میلیارد ریال آن، افزایش در خالص بدهی بخش دولتی بوده است که به این ترتیب، قریب ۷۱/۴ درصد افزایش حاصله در نقدینگی طی دوره مزبور، ناشی از افزایش بدهی بخش خصوصی بوده است.

بررسی اجزای تشکیل دهنده نقدینگی در طول برنامه نشان می‌دهد که پول و شبه پول به‌طور متوسط، سالانه به ترتیب ۲۳/۶ و ۲۶/۵ درصد رشد داشته است. از سال ۱۳۶۲ با اجرای قانون جدید پولی و بانکی و افزایش اعتماد عمومی به سیستم بانکی کشور، سهم پول در نقدینگی، روندی نزولی داشته و برعکس، به سهم شبه پول افزوده شده است. این روند، طی برنامه اول، تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد تنوع در انواع سپرده‌ها تداوم یافته است. در سال ۱۳۶۳ سهم پول و شبه پول در نقدینگی به ترتیب برابر ۵۷/۲ درصد و ۴۲/۸ درصد بوده است. این نسبت‌ها در سال ۱۳۷۲ به ترتیب





نقدینگی توازن نداشته باشد و گردش کالا و خدمات در جامعه از رشد لازم و متعادل با رشد نقدینگی برخوردار نباشد، بدیهی است که رابطه بین نقدینگی و مقدار تولید، در قیمت‌ها منعکس خواهد شد و اثرات تورمی در پی خواهد داشت.

رشد نقدینگی به‌ویژه در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ از روند فزاینده‌ای برخوردار بود و از ۲۶،۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱، به ترتیب ۴۸،۰۰۰ میلیارد ریال و ۶۲،۰۰۰ میلیارد ریال و ۸۵،۰۰۰ میلیارد ریال و بیش از ۱۱۰،۰۰۰ میلیارد ریال (رشد نقدینگی عامل تورم شدیدی در سال ۱۳۷۴ شد که تورم به حدود ۵۰ درصد رسید) در سال‌های بعد افزایش یافت که به ترتیب از رشد ۳۴/۱ درصد، ۲۴ درصد، ۳۷ درصد و بیش از ۳۰ درصد برخوردار بوده است. در گزارش فروردین ۱۳۷۴ سازمان برنامه (صفحه ۵)، به آثار مخرب نقدینگی و رابطه آن با تورم و افزایش قیمت‌ها اشاره شده است.

بنابراین، اگر بانک مرکزی و ادار به ایجاد پول جدیدی برای تأمین انواع درخواست‌ها شود، کاری بسیار ساده است، اما هزینه آن سبب ایجاد تورمی خواهد شد که طی آن ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر، تولید کم صرفه و احتکار و دلالتی پرمنفعت و قوام دوام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور با خطر روبه‌رو خواهد شد. به عبارت دیگر، عدم تعادل بین رشد نقدینگی و رشد تولید

به ۴۶/۶ درصد و ۵۳/۴ درصد رسیده است.<sup>۱</sup> مسئله تلخ در این زمینه، حساب ذخیره تعهدات و پولی است که از این ناحیه تزریق شده و تأثیری که بر نرخ تورم و نقدینگی و پایه پولی داشته است. (صفحه ۳ گزارش سازمان برنامه در فروردین ۱۳۷۴).

نقدینگی از ۶/۴ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۶۱ به ۶۰ هزار میلیارد ریال، سال ۱۳۷۳ افزایش یافته است. در این دوره به‌طور متوسط ۲۰ درصد رشد یافته و حجم آن تقریباً ده برابر شده است، بی آن که تولید، حداقل با نرخ ثابت دو برابر شده باشد.

طی سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ معادل ۲۴/۲ هزار میلیارد ریال به نقدینگی کشور اضافه شده که از سال‌های قبل به مراتب زیادتر است. رشد سریع نقدینگی در دو سال اخیر معلول سررسید تعهدات ارزی کوتاه مدت، تغییر نرخ ارز و عدم دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز از کسبانی است که اعتبارات اسنادی گشایش کرده بودند؛ به‌طوری که به جای تأمین مبلغ، از دریافت کنندگان ارز، مابه‌التفاوت به حساب بدهی دولت گذاشته شد و تاکنون بیش از ۱۱ هزار میلیارد ریال از این محل به پایه پولی اضافه شده و در صورت تداوم این سیاست، ممکن است حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال دیگر نیز از همین محل به پایه پولی وارد شود...

چنانچه حجم نقدینگی با توجه به نرخ رشد تولید ناخالص ملی افزایش می‌یافت، تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل برقرار می‌شد. اما چنانچه رشد تولید با رشد حجم

۱. عملکرد برنامه اول اسفند ماه ۱۳۷۲، ص ۱۰-۱۱ و ج ۱۱.

ناخالص ملی، یکی از اساسی‌ترین عوامل تورم و گرانی است.

### اهتمام تمام ارکان نظام سیاسی کشور به کنترل نقدینگی

در پیام نوروزی مقام معظم رهبری، بر ضرورت رعایت انضباط اقتصادی و مالی تأکید شد. از سوی دیگر، مسئله تحکیم انضباط مالی و پولی توسط سازمان برنامه و بودجه همواره مطرح شده است. در سال گذشته، قوای مقننه و قضائیه نیز تحت لوای مشابهی اقداماتی را آغاز کرده‌اند. نتیجه این اقدامات قوای مقننه و قضائیه اگر به‌عنوان یک برنامه جامع و به دور از دیدگاه‌های سیاسی پیگیری نشود، می‌تواند مشکلاتی در پی داشته باشد. طبعاً مسئله انضباط پولی و مالی را نباید صرفاً در مورد قوه مجریه مورد توجه قرار داد و سایر قوا را به‌عنوان مدعی این وجه از حکومت که دست‌اندرکار امور اساسی کشور است، مطرح کرد. علاوه بر آن، نیل به این هدف فقط با همکاری و همدلی تمام مسئولان و مدیران سطوح مختلف عملی است. برخورد با این مسئله، به صورت روش‌تنبیه و مؤاخذه، اثرات ناچیزی به همراه خواهد داشت.

تمام ارکان حکومت، از جمله مدیران سیاسی قوه مجریه مانند وزرای محترم، باید طی اقدامی فراگیر با احساس وظیفه اخلاقی و سیاسی، امر صرفه‌جویی، کاهش هزینه‌ها، حذف تشکیلات زائد و انحلال شرکت‌های

سرطانی و زیان‌آور و غیر ضروری را با جدیت پیگیری کنند و نتیجه فعالیت‌های خود را برای ارزیابی به مراجع ذی‌ربط گزارش کنند. مستأسفانه اکثر وزارتخانه‌ها، فعالیت‌های شرکت‌داری را نیز بر عهده دارند. به طوری که حتی زمزمه شرکت‌داری در دانشگاه‌های کشور نیز شنیده می‌شود. همگام با وزارتخانه‌ها، بانک‌ها نیز باید به جز فعالیت اعتباری از انجام هر نوع فعالیت اقتصادی مانند ساختمان‌سازی، خرید و فروش ساختمان و احداث کارخانه و هتل و امور تجاری و مانند آن خودداری کنند و سایر فعالیت‌های نامربوط و ضایعه‌آمیز خود را متوقف سازند. همین امر در مورد سازمان‌ها و صندوق‌های بازنشستگی و سایر نهادهای مالی صادق است. این دستگاه‌ها نیز باید صرف منابع عمومی را در پروژه، طرح‌ها، صنایع و شرکت‌هایی که نتایج معلومی به بار نخواهد آورد و هم‌اکنون نیز آنها را در شرایط مالی نامناسبی قرار داده است، متوقف کنند. علاوه بر این، نمایندگان قوه مقننه نیز باید پیش قدم شوند و بعضی از پروژه‌هایی را که بدون توجیه اقتصادی در مناطق آنها در دست اجراست و معمولاً با حمایت و پیگیری خود آنها شروع شده است، متوقف کنند و از صرف منابع کشور در زمینه‌هایی که بازگشت مناسب ندارد، با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ممانعت به عمل آورند. برای نیل به کنترل نقدینگی، برداشتن گام دیگری نیز ضروری



بدون توجه یا بدون امکانات لازم و عدم ترتیب در شروع کارها، واردات بی‌رویه و عدم تحقق مصوبه برنامه در رابطه با صنعت و نسبت صنایع مادر و واسطه‌ای و مصرفی، طبق پیش بینی قانون برنامه که رشد صنایع سرمایه‌ای را معادل ۲۴ درصد، صنایع واسطه‌ای را معادل ۲۰ درصد و رشد صنایع مصرفی را معادل ۴/۲ درصد دیده بود، تا سهم ارزش افزوده صنایع سرمایه‌ای از ۵/۶ درصد به ۸/۵ درصد و واسطه‌ای از ۴۹/۴ درصد به ۶۳ درصد و مصرفی از ۴۵ درصد به ۲۸/۵ درصد کاهش یابد و اولویت به ترتیب: به صنایع سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی داده شود تا امکان جایگزینی کالاهای وارداتی و زنجیره‌ای کردن خطوط تولید و تقویت بنیه‌های تولید داخلی و استفاده از مواد و امکانات داخلی فراهم شود و وابستگی کاهش یابد، ده‌ها عامل و متغیر دیگر در این رابطه مؤثر بوده است.

به هر کیفیت، این قسمت، نیاز به تحقیق و بررسی جامع دارد، البته از بحث شناور شدن نرخ ارز و تغییرات مربوط در طول برنامه و در دو سال پایانی آن نباید غافل شد که این موضوع، نیاز به بحث جداگانه دارد و روند افزایش نقدینگی نیز به خوبی نشانگر این معناست. به گونه‌ای که در برنامه، حجم نقدینگی پیش بینی شده تا پایان سال ۱۳۷۲ مبلغ ۲۲ هزار میلیارد ریال بود که در عمل به ۴۸ هزار میلیارد ریال رسید و این افزون بر تعهدات ارزی و حساب ذخیره تعهداتی است که به صورت یک مسئله تلخ و اسفانگیز درآمده است و نیز خالص

است. تکلیف منابع لازم برای شرکت‌های دولتی مانند شرکت نفت، گاز، برق و مانند آن که برای سرمایه‌گذاری و سایر هزینه‌های خود نیازمند منابع مالی هستند، تعیین شود. این دستگاه‌ها حتی در صورت اجرای مراحل صرفه جویی، هنوز قادر به تأمین منابع لازم برای نگه داری و توسعه نیستند. در گذشته، منابع مالی لازم از طریق اعتبارات بانک مرکزی تأمین می‌شد که خود عامل عمده رشد نقدینگی بود. در صورتی که کنترل تورم یک هدف جدی است، باید تکلیف تأمین منابع مالی برای این دستگاه‌ها از طریق درآمدهایی که از درون نظام اقتصادی به دست می‌آید، تعیین شود.

در نتیجه، عوامل فراوانی در این رابطه نقش دارند که از آن جمله باید به کاهش درآمدهای ارزی، کاهش قدرت خرید دلار، افزایش خدمات دولتی، بالابودن نرخ خدمات، عدم امکان دریافت هزینه خدمات دولتی و شرکت‌های خدماتی مانند نفت و نیرو، رشد مصرف داخلی بیشتر از پیش‌بینی برنامه، کمبود منابع سرمایه‌گذاری، پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری، رشد چشمگیر جمعیت، عدم هدایت سرمایه‌ها و منابع ارزی و ریالی به سوی تولید و امور زیربنایی، سرازیر شدن منابع ارزی کشور به جیب دلال‌ها و واسطه‌ها و دیگران، عدم تحقق نرخ مالیات پیش‌بینی شده به تولید ناخالص ملی در برنامه، افزایش هزینه‌های عمومی، عدم روحیه صرفه‌جویی و ساده‌زیستی و تبلیغ در زمینه رفاه و هزینه کردن بعد از جنگ، شروع هم‌زمان طرح‌ها،

## گزارش ویژه

و در مجموع، مدیریت صحیح بر نقدینگی و هدایت آن در امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری و تولید.

از سوی دیگر، افزایش تولید با اصلاح ساختار تولیدی، خصوصی‌سازی، اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌زمانبندی برای طرح‌ها و پروژه‌ها و افزایش کارایی و رفع انحصارات و افزایش رقابت در تولید و افزایش صادرات و ارائه سود مناسب در بخش‌های تولیدی.

جدول ۳ - صورت وضعیت حجم نقدینگی از سال ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۵

| سال  | نقدینگی (میلیارد ریال) | رشد سالانه |
|------|------------------------|------------|
| ۱۳۶۸ | ۱۸۷۵۳۳                 | ۱۹/۵       |
| ۱۳۶۹ | ۲۲۹۶۹/۵                | ۲۲/۵       |
| ۱۳۷۰ | ۲۸۶۲۸/۲                | ۲۴/۶       |
| ۱۳۷۱ | ۳۵۸۶۶/۰                | ۲۵/۳       |
| ۱۳۷۲ | ۳۸۱۳۵                  | ۳۴/۲       |
| ۱۳۷۳ | ۶۱۸۲۳/۹                | ۲۸/۵       |
| ۱۳۷۴ | ۸۵۰۷۲/۲                | ۳۷/۶       |
| ۱۳۷۵ | ۱۱۳۱۳۶/۲               | ۳۳         |

در هر صورت، مسئله اصلی تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل است و هرچه رابطه نقدینگی و تولید متناسب‌تر، متوازن‌تر و متعادل‌تر باشد، به همان نسبت، تعادل پولی و مالی و اقتصادی برقرار خواهد شد و گرنه توازن و تعادل به هم خواهد خورد و

دارایی‌های سیستم بانکی در خارج از کشور که در اواخر دوره از رشد منفی شدیدی برخوردار بوده است.

کسری بودجه در طول دوره یاد شده از بخش دولتی، به صورت مستقیم به بخش شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و نیمه دولتی و غیردولتی منتقل شد و از رشد بالایی برخوردار بود. اکنون به عنوان توضیح، دو راه حل عمده ذکر می‌شود:

الف- کنترل، هدایت و مدیریت نقدینگی؛

ب- تعادل در بودجه.

الف- کنترل، هدایت و مدیریت نقدینگی

۱- کنترل نقدینگی با جلوگیری از چاپ

اسکناس، کاهش هزینه‌ها، هدایت

تسهیلات و اعتبارات، تعادل بودجه

(درآمدها و هزینه‌ها)، منطقی کردن بودجه

شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت،

اجتناب از کسری بودجه آشکار و نهان.

۲- جمع‌آوری نقدینگی با جذب بیشتر

منابع مردمی و تقویت سپرده‌گذاری،

تقویت بورس، خصوصی‌سازی به معنی

صحیح کلمه، اصلاح نظام و مکانیسم

مالیاتی کشور، سامان‌دهی شرکت‌های

دولتی، شهرداری‌ها و سازمان‌ها و

ارگان‌های ذی ربط دیگر، انتشار اوراق

قرضه و مشارکت‌های عمومی، افزایش

عوامل مشوق سپرده‌گذاری و پس انداز.

۳- کاهش حجم بدهی‌های خارجی و تنظیم

آن و دقت لازم در هر گونه هزینه‌های

تبعی و غیرضرور از این بابت.

آثار جبران ناپذیری به بار خواهد آورد.

ب- تعادل بودجه

عدم هماهنگی و سازگاری بین فعالیت‌ها و هزینه‌های دولت و شرکت‌های وابسته با درآمدهای حاصله و در نتیجه، بدهی دولت و شرکت‌های دولتی و وابسته و غیره به سیستم بانکی. به گونه‌ای که در آغاز برنامه حجم کل بدهی‌های این بخش به شبکه بانکی معادل  $14683/4$  میلیارد ریال بوده و در پایان در سال  $1372$  این مبلغ به  $32011/5$  میلیارد ریال افزایش یافته است و تا پایان سال  $1375$  به حدود  $50$  هزار میلیارد ریال بالغ شده است.

بدیهی است که برای تأمین مبالغ یاد شده، راهی جز خلق و نشر اسکناس و تغییر پایه پولی وجود نداشته است که آن نیز طبیعتاً عامل تورم و از بزرگ‌ترین عوامل افزایش نقدینگی در جامعه است.

ضرورت تعادل در بودجه کل کشور

برای ایجاد تعادل در بودجه دولت، دو راه بیشتر متصور نیست:

الف- افزایش درآمدها.

ب- کاهش هزینه‌ها.

در بخش «الف» باید نسبت به نظام مالیاتی کشور، خصوصی‌سازی و مشارکت بیشتر مردم، فعال کردن بنگاه‌ها، واحدهای اقتصادی، افزایش صادرات و تولید ملی و... همت گماشت.

اما در بخش «ب» در دو زمینه باید بحث شود:

۱- اصلاح بودجه جاری دستگاه‌ها و

هزینه‌های مربوطه و نهادها و ارگان‌ها.

۲- اصلاح و تعدیل بودجه عمرانی و منطقی کردن آن و هدایت صحیح منابع و امکانات.

پروژه‌هایی که توجه فنی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشند، بلندپروازی در آنها نباشد، در زمان مقرر اجرا شوند، در افزایش تولید ناخالص ملی تأثیر داشته باشند، قیمت تمام شده آنها معقول باشد و با حداقل ممکن تمام شود، هزینه‌های بالا سری آنها به حداقل برسد.

از امکانات داخلی جهت ساخت، حداکثر استفاده بشود و به ساخت داخلی و تحقیقات بها داده شود؛ ارزیابی آنها در سطح حداقل باشد؛ قرارداد هیچ پروژه‌ای به صورت کلیدی با اجانب بسته نشود، طرح‌های نیمه تمام با اصلاح و طبق ضوابط در اسرع وقت به نتیجه و بهره‌برداری برسد و در بهره‌برداری طرح‌ها و پروژه‌ها تسریع شود.

پروژه‌ها اولویت‌بندی شود، از انجام امور موازی اجتناب شود، قبل از تأمین امکانات و ضرورت‌ها اقدام نشود، حجم پروژه‌های در دست اجرای دولت با توجه به منابع و امکانات ارزیابی شود، قراردادهای منعقد شده با پیمانکاران داخلی یاسازندگان و دلان خارجی براساس قیمت‌های صحیح و قابل رقابت و منطقی باشد.

در پروژه‌ها برای سرعت بخشیدن به بهره‌برداری کارها فازبندی صورت گیرد و با تکمیل هر فاز، امکان استفاده میسر باشد.

تقاضای بیش از حد شرکت‌ها، نهادها و

جدول ۴ - جدول شماره ۱۰ قانون برنامه دوم پایه پولی، نقدینگی و نرخ تورم

| شرح                                    | سال ۱۳۷۰ | سال ۱۳۷۱ | سال ۱۳۷۲ | سال ۱۳۷۳ | سال ۱۳۷۸ | نرخ رشد ۱۳۷۸-۱۳۷۳ |
|--|----------|----------|----------|----------|----------|-------------------|
| خالص بدهی دولت به بانک مرکزی           | ۱۱۲۰۶/۰  | ۱۱۲۰۸/۷  | ۱۸۲۹۵/۳  | ۱۸۹۹۰/۵  | ۲۲۸۸۳/۵  | ۲/۸               |
| خالص بدهی شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی | ۱۰۵۶/۰   | ۱۵۶۱/۱   | ۲۸۷۸/۴   | ۳۷۴۱/۷   | ۸۵۹۵/۹   | ۱۸/۱              |
| بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی             | ۱۳۱۶/۰   | ۲۳۳۲/۰   | ۱۶۱۹/۲   | ۲۱۶۳/۴   | ۹۲۱۱/۵   | ۳۲/۶              |
| خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی       | ۱۱۳۷/۰   | ۱۴۵۹/۵   | ۴۲۱۷/۳   | ۴۲۱۷/۳   | ۴۲۱۷/۳   | ۰/۰               |
| خالص سایر دارایی‌های بانک مرکزی        | -۲۳۹۷/۰  | -۲۰۹۴/۶  | -۹۳۲۲/۹  | -۹۳۲۲/۹  | -۹۳۲۲/۹  | ۰/۰               |
| پایه پولی                              | ۱۲۳۱۸/۰  | ۱۴۴۶۶/۷  | ۱۷۶۷۸/۱  | ۱۹۷۸۹/۹  | ۳۵۵۸۵/۳  | ۱۲/۵              |
| حجم نقدینگی                            | ۲۸۶۲۸/۰  | ۳۵۸۶۶/۰  | ۴۸۱۳۵/۲  | ۵۳۸۵۸/۲  | ۹۶۸۴۵/۳  | ۱۲/۵              |
| شاخص قیمت                              | ۴۳۶/۵    | ۵۳۰/۴    | ۶۵۲/۵    | ۷۶۶/۷    | ۱۳۷۴/۶   | ۱۲/۴              |

کاهش یابد و دستگاه‌های دولتی به جای گسترش بی‌رویه تشکیلات و فربه شدن، باید بر کارایی و توانایی‌های اجرایی و عملی خود بیفزایند.

کارهای موازی و دستگاه‌های موازی باید درهم ادغام شوند و از دوباره‌کاری‌ها و چندباره کاری‌ها پرهیز شود.

اصل بهره‌وری در کلیه زمینه‌ها و دستگاه‌ها و شرکت‌ها باید اعمال شود و مبنای بسیاری از امتیازات و حفظ بعضی از دستگاه‌ها باید براساس اصل بازدهی و بهره‌وری و تأثیرات مثبت و سازنده آنها در جامعه باشد (نه صرفاً تشکیلاتی، هزینه بر و

بخش‌های مختلف از سیستم بانکی و اعتبارات و تسهیلات عمومی تعدیل شود و حداقل از افزایش فشار و تقاضا و تکالیف فراوان به سیستم بانکی کاسته شود.

حساب بدهی‌های شرکت‌ها و دولت به سیستم بانکی اولاً، افزایش پیدا نکند و ثانیاً، در بازپرداخت بدهی‌ها و کاهش و تسویه حساب‌ها اقدامات لازم و جدی صورت پذیرد و برخورد با سیستم بانکی از منطق معقولی پیروی کند، نه این که بانک‌ها و بانک مرکزی به یکی از منابع عمومی و بودجه‌ای کشور تبدیل شود. حجم تشکیلات دولت به صورت جدی باید



افزایش یابد و در طول یک یا دو برنامه، سهم بخش غیردولتی در اقتصاد کشور به سهم قابل قبولی برسد و زمینه رقابت‌های سالم و فعالیت‌های سازنده این بخش فراهم شود و دولت بیشتر به نظارت، هدایت و سیاست‌گذاری در امور و مدیریت کلان مسائل کشور بپردازد. سیستم بانکی نیز در این جهت فعال باشد و راه برای مشارکت واقعی مردم در کلیه زمینه‌های مربوط هموار شود.

نوع سرمایه‌گذاری‌ها و الگوهای توسعه و راهبرد (استراتژی) توسعه صنعتی کشور و نوع ساختمان‌سازی و سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و ساختمان نیز باید هدایت و به درستی مدیریت شود و از هر نوع سرمایه‌گذاری و فعالیت در بخش‌های غیرمولد پرهیز شود و منابع سرمایه‌ای کشور به صورت بهینه تخصیص داده شود. نه این که درآمدهای کشور و سرانه‌ها مانند یک کشور جهان دومی یا سومی باشد و هزینه‌های مصرفی و هزینه‌های مولد دارای ارزش افزوده واقعی در اقتصاد و تأمین‌کننده نیازها و بازدهی بالا یا با ایجاد قدرت رقابت و صادرات به چند برابر متعارف نرم‌های جهانی برسد و در نهایت، منابع بانکی باید به صورت تخصیص بهینه و در جهت فعالیت‌های سالم، سازنده، مولد و اشتغال‌زا به کار گرفته شود و در جهت سیاست‌های کلان و استراتژی درازمدت نظام عمل کند و از معاملات صوری یا اعطای تسهیلات در امور غیرضروری یا افزایش هزینه‌های اداری و سرباری مانند آن

با کارایی بسیار پایین و انتظارات بسیار بالا). ضعف‌های موجود در سرمایه‌گذاری برطرف شود و ثبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی تقریباً ۵۰ درصد افزایش یابد (یعنی از حدود ۱۷ درصد موجود به ۲۵ درصد برسد).

با مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی و هزینه‌های سرباری بسیار و اسراف و تبذیر در بیت‌المال به صورت جدی باید برخورد شود و فرهنگ موجود با فرهنگ صناعت، صرفه‌جویی، ساده‌زیستی، نظام و انضباط مالی، اقتصادی و اجتماعی و رعایت بیت‌المال تبدیل شود و نرخ مصرف عمومی و خصوصی به صورت واقعی کنترل شود. از ظرفیت‌های بالقوه باید حداکثر استفاده به عمل آید و از ظرفیت‌های فراوان موجود به نحو مطلوب بهره‌برداری شود و برای نوسازی و بازسازی ظرفیت‌های موجود تلاش شود (به جای سرمایه‌گذاری‌های جدید).

تمامی واحدهای اقتصادی، (صنعتی، کشاورزی و تولیدی) باید به صورت اقتصادی اداره شوند و از ایجاد واحدهای مختلف با منابع عمومی و استفاده از رانت‌های دولتی و منابع بیت‌المال باید اجتناب شود. نظام مالیاتی کشور باید فعال، سازنده و در جهت تحقق کلیه اهداف یاد شده عمل کند.

خصوصی‌سازی به معنی صحیح کلمه با کاهش حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت و نهادها و ارگان‌های وابسته به دولت و کاهش انحصارات و تشکیلات دولت و افزایش واقعی سهم مردم در اقتصاد ملی باید

## گزارش ویژه

- اجتناب شود و نظم و انضباط دقیق بر آن حاکم باشد.
- در هر صورت، قدرت سیستم بانکی در جهت سازماندهی، مدیریت نقدینگی، حل مشکلات نظام و اعطای تسهیلات ضروری، مولد و اشتغال‌زا و ارائه خدمات مورد نیاز، تنظیم بازار نقدینگی و گردش پول بسیار مهم و تعیین کننده است و می‌تواند عامل مهمی در اصلاح ساختار پولی، بودجه‌ای و مالی کشور باشد. سیستم چک پول، چک‌های اعتباری، تضمینی، مسافرتی و حجم وسیع این کار و همین طور کارت‌های اعتباری باید در جهت اهداف مدیریت نقدینگی، افزایش کارایی نظام بانکی، تحت نظارت و کنترل باشد که خود یک مسئله مهم و قابل توجه است.
- کاهش هزینه‌های جاری از طرق زیر می‌تواند صورت گیرد:
- کاهش حجم دولت و شرکت‌های دولتی و وابسته و منطقی کردن هزینه‌ها و خدمات.
  - اصلاح ساختار اداری و حذف تشکیلات موازی و غیرضروری.
  - واگذاری بخشی از کارها به مردم، شکستن انحصارات، ایجاد رقابت سالم.
  - اصلاح و بازنگری مستمر سیستم اداری و اجرایی کشور.
  - حاکمیت نظام و انضباط مالی در کلیه دستگاه‌ها و واحدها.
  - اجرای نظام پرداختی متعادل و هماهنگی
- در نظام‌های پرداختی کشور.
- کارا کردن نظام اداری و بهره‌وری مطلوب از کلیه نیروها و امکانات.
  - توجه به مدیریتی کارآمد و ایجاد نظام مدیریتی سالم و سازنده و کارا.
  - توجه به نظام فنی و اجرایی.
  - اصلاح نظام بازنشستگی کشور با توجه به امکانات، شرایط و آینده‌نگری لازم.
  - نظارت و حاکمیت ضابطه بر کلیه مؤسسات، نهادها، ارگان‌ها، شرکت‌ها، غول‌های اقتصادی و خدماتی کشور و شرکت‌های اقماری.
  - اصلاح نظام تصمیم‌گیری و کارآمد کردن آن.
  - ساده کردن سیستم‌ها.
  - منطقی کردن بودجه شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و... نحوه رسیدگی به آن.
  - نظارت بر آنها و منطقی کردن قیمت‌های تمام شده و...
  - تمرکززدایی و تقویت اختیارات مناطق و استان‌ها.
  - گسترش فرهنگ صرفه‌جویی و ساده‌زیستی.
  - مطالعه همه‌جانبه و مستمر در مورد سیستم اداری و اصلاح پیوسته آن.
- توصیه‌ها و پیشنهادها**
- ایجاد ثبات و امنیت در سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری و حمایت جدی از تولیدات و صادرات.





- جامع نگری و کلان‌نگری در مسائل کشور  
توسط همه مسئولان و نمایندگان  
مجلس و دولت.

- اصلاح نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ای  
کشور و تنظیم بودجه عملیاتی.

- تأکید بر به‌کارگیری مدیران لایق و کارآمد  
و ارزیابی عملکرد مدیران و انتصاب  
آنها بر اساس تجربه و عملکرد و  
شایستگی‌های لازم.

- جلب هرچه بیشتر اعتماد ملی نسبت به  
سیاست‌ها و برنامه‌ها و سیستم بانکی و  
نیز جلب اعتماد بین‌المللی به سیستم  
بانکی و توان کشور در انجام تعهدات  
مربوطه و روند دو جانبه یا چند جانبه.

- تعیین استراتژی توسعه اقتصاد ملی و  
استراتژی توسعه صنعتی کشور و  
انتخاب صنایع لازم برای سرمایه‌گذاری  
و تکمیل حلقه‌های مفقوده و برقراری  
ارتباط با مراکز آموزشی، تحقیقاتی و  
پژوهشی و مراکز صنعتی و تولیدی.

- تنظیم استراتژی بازرگانی کشور و واردات  
و صادرات، تعرفه‌ها و اتخاذ  
سیاست‌های مناسب در جهت حمایت  
از تولیدات داخلی و رشد تولید و تنظیم  
حقوق گمرکی و سودبازرگانی با توجه  
به ابعاد مختلف آن و مبارزه جدی با  
فاجاق کالا و واردات غیر ضروری.

- هدایت صحیح و دقیق تسهیلات و اعتبارات  
سیستم بانکی در جهت اهداف و  
استراتژی‌های درازمدت نظام و حمایت  
از تولید و سرمایه‌گذاری و نظارت  
جدی و دقیق بر امر تسهیلات اعطایی.

- تلاش در جهت تخصیص بهینه منابع  
ارزی و ریالی کشور و اولویت بندی در  
هزینه‌ها و مدیریت مطلوب هزینه‌ها و  
زمان بندی لازم برای اجرا.

- تکمیل طرح‌های نیمه تمام و تعیین  
تکلیف بسیاری از طرح‌ها با توجه به  
مصوبات برنامه‌ای و تبصره ۵ برنامه دوم  
و انتخاب منطقی طرح‌ها و پروژه‌ها.

- خصوصی‌سازی به معنی واقعی و صحیح  
آن و واگذاری بسیاری از کارها به مردم،  
شکستن انحصارات، تأکید بر  
سرمایه‌گذاری و واگذاری و حمایت از  
آن و ارائه الگوی مناسب و راهبردی در  
زمینه سرمایه‌گذاری‌ها و جذب  
نقدینگی و احیای سرمایه‌گذاری  
مشترک.

- اصلاح ساختار اداری و ادغام تشکیلات  
موازی، تمرکززدایی و تفویض بیشتر  
اختیارات به استان‌ها.

- گسترش فرهنگ مالیاتی و تنظیم حقوق  
گمرکی و سودبازرگانی در جهت  
حمایت از تولیدات و ساخت داخلی.

- تأکید بر بهره‌وری صحیح از همه امکانات  
ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کشور و  
ساخت و تولید داخلی و اشتغال سالم و  
مولد.

- مسئله نظام تصمیم‌گیری واحد و منسجم  
و کارآمد و هماهنگ جهت هدایت  
تصمیم‌گیری‌های اقتصادی.

- حاکمیت نظم و انضباط و مقررات بر  
درآمدها و هزینه‌ها و طرح‌ها و نظام‌های  
عالی دستگاه‌ها و شرکت‌ها و...

## گزارش ویژه

و تکنولوژی و صنعت در جهان، ارتباطات و گسترش آن تا صنایع نظامی و بینه دفاعی کشور و نقش هر یک از مردم دولت و بانکها و تعاونیها در این رابطه و تأکید بر افزایش منابع درآمدی و ارزی کشور و ایجاد زمینههای لازم برای صدور خدمات فنی و نیروی انسانی و حضور در بازارهای جهانی و منطقه و مشارکت در فعالیت‌های خارجی و انجام پروژهها و نیز استفاده مطلوب از موقعیت ترانزیتی و منطقه‌ای کشور و صادرات مجدد و ایفای نقش مهم و استراتژیک یک کشور در رابطه با شمال و جنوب و غرب و شرق و استفاده هرچه بهتر از این موقعیت تثبیت و تحکیم و تقویت موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی و استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران و ارائه خدمات مناسب بانکی، بیمه‌ای، ترانزیت کالا و خدمات حمل و نقل و خدمات بندری و حقوقی و بهداشتی و پشتیبانی‌های دیگر از قبیل فرودگاه، ترمینال، هتل و رستوران و جهات فراوان دیگر و سازماندهی نیروی انسانی برای این کار و... و تشکیل بانکها و مؤسسات مشترک و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صورت لزوم.

- مسئله مهم در این رابطه دو چیز است که باید با برنامه و سیاست‌گذاری لازم به این دو مطلب عنایت شود:

- تأکید بر الگوی مصرف متناسب با امکانات و شرایط و منابع کشور و برقراری رابطه صحیح و منطقی بین تولید و مصرف و مبارزه با فرهنگ رفاه و تجمل‌پرستی.

- تلاش در جهت افزایش نرخ پس‌انداز ملی و سهم بودن و مشارکت عمومی جامعه در کاهش مصرف، افزایش پس‌انداز، نقش داشتن در تولید و اقتدار ملی و کار و تولید.

- بررسی و طرح بحث‌های مربوط به آمایش سرزمین و آمایش‌های منطقه‌ای و استانی و قطب‌های مختلف کشور از جهات گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و از لحاظ تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها و غیره. از جمله طرح آمایش استان تهران با وسعتی حدود ۴۰,۰۰۰ کیلومتر مربع و بیش از ۱۲ میلیون جمعیت «حدوداً» جمعیت کشور و یکپارچه دیدن آن و طرح توسعه تفصیلی آن برای ۲۰ الی ۳۰ سال آینده با توجه به شرایط کشور و مناطق دیگر و وضعیت شهرک‌های اقماری و رشد جمعیت و مهاجرت و مسائل ارتباطی و...

- و در نهایت، تنظیم الگوی توسعه برای ۲۵ تا ۳۰ سال آینده با توجه به محدودیت منابع و پایان‌پذیری منابع نفتی، رشد جمعیت نیازهای درازمدت جمعیت از جهات گوناگون، رشد و پیشرفت علوم



و تدبیر و تعهد و مدیریت خلاق و چاره‌اندیشی را، الگو و سرمشق کار خود قرار داد.

رفاه‌گرایی و ترویج و تبلیغ و تشویق مصرف، سم مهلک و موجب تباهی منابع و تضعیف نیروها خواهد شد و توان ما را برای حرکت‌های سالم و تعادلی از میان خواهد برد.

به‌طور قطع تشکیلات کشور باید کوچک‌تر و کارا تر شود و دولت نقش اصلی خود را در سیاست‌گذاری و هدایت کلان اقتصادی برعهده بگیرد و بسیاری از کارهای غیرضروری به مردم واگذار شود و از قابلیت‌ها و منابع مردمی استفاده شود و بازار رقابت در جامعه فعال باشد و دولت بر امور نظارت و اشراف داشته باشد و به سیاست‌گذاری بپردازد.

باید یادآور شد که کشور، فرصت چندانی برای اقدامات و بهره‌برداری مطلوب از امکانات خود ندارد و این فرصت استثنایی و حساس است.

البته در نهایت، هر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، نیاز به تفاهم، همدلی، انسجام و هماهنگی و آینده‌نگری و مشارکت جدی و فعال مردم و بهادادن به آنها و جلب اعتماد عمومی و بالجمله وفاق اجتماعی دارد، تا هر کس به نحوی خود را شریک و سهم‌بداند و سرنوشت خود را به آن وابسته و اقتدار و توسعه ملی را وظیفه خود بداند و کشور را در مسیر پیشرفت و سربلندی یاری دهد.

این نکته نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد

الف- مجلس پنجم و رسالت آن و برنامه داشتن برای کار.

ب- دولت آینده و برنامه آن به عنوان یک ضرورت جدی و سرنوشت‌ساز.

و این مطلب یعنی یک برنامه ۱۰ ساله برای کشور عزیزمان که در طول ۱۰ سال آینده سرنوشت کشور چگونه باید رقم بخورد و مجلس و دولت آینده ان شاء... برای دوره هشت ساله چه تأثیری در هدایت و تنظیم و تکمیل طرح‌ها و پروژه‌ها و سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و رشد و توسعه ملی ایفا خواهد کرد و بامشکلات و تنگناها دست به گریبان خواهد شد و به هر مسئله چگونه جواب خواهد داد و راه‌حل‌های او برای مسائل گوناگون کار و اشتغال و سرمایه‌گذاری و آموزش و امنیت ملی و اقتصادی و رشد و عدالت اجتماعی و تراز بازرگانی و تراز ارزی و تعادل بودجه‌ای و منطقی کردن هزینه‌ها و توجه به مسائل مهم و راهبردی جامعه و کشور چگونه خواهد بود. سیاست‌های اقتصادی به‌طور قطع باید از ثبات لازم برخوردار باشد و نمی‌توان به‌طور مداوم بر اقتصاد کشور شوک وارد کرد و آن را دچار نوسان‌های شدید و اختلال و ناامنی کرد و این گردونه عظیم را با حرکت‌های سبکی و زیگزالی به پیش برد.

قطعاً کشور به برنامه‌های توسعه نیازمند است و برای برنامه توسعه، باید رهیافت‌های مبتنی بر قناعت و ریاضت را در پیش گرفت و به جای رفاه‌گرایی و مصرف‌زدگی، باید کار و کوشش و دلسوزی

که سیاست‌های رکودی به ویژه در درازمدت ویرانگر است و آثار و پیامدهای شوم آن روشن است. همان‌طور سیاست‌هایی نیز که موجب تورم شدید به ویژه در یک دوره بلندمدت بشود، برای جامعه قابل تحمل نیست و آثار بسیار مخربی در پی خواهد داشت.

در نهایت باید به استفاده بهینه از منابع و مدیریت صحیح و اولویت بندی در کار پولی و بانکی و ارزی و ریالی بسیار حساس تر و چنانچه به درستی عمل شود، بسیار کارسازتر خواهد بود. مبلغ ۱۰،۰۰۰ با ۱۲،۰۰۰ میلیارد تومان مبلغ بسیار بالایی است. با توجه به قدرت اعتبار دهی و تسهیلات شبکه پولی و نیز سرعت گردش پول می‌تواند از کارایی بسیار بالایی برخوردار باشد. متأسفانه طبق آمار، حدود ۲۵ درصد این پول در سال ۱۳۷۲ و شاید ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ بیشتر در بخش‌های غیرسالم و غیرسازنده مانند دلالتی و واسطه‌گری و مشاغل کاذب و فعالیت‌های زیرزمینی به کار گرفته شده که چنانچه به درستی هدایت شود، سرمایه‌ای عظیم خواهد بود و اعضای تسهیلات بانکی و اجرای تبصره‌دار بودجه‌ای مانند تبصره ۵۰، ۵۲، ۵۳ و ۵۴ و غیره و تبصره‌های تکلیف دار بودجه نیز نباید مستقیماً به ضعف و عدم کارایی دستگاه‌ها و شرکت‌ها و منابع سرمایه‌ها شود. این قبیل منابع باید در صورت

ضرورت و نیاز، نقش اصلی خود را در افزایش تولید و هدایت سرمایه‌ها و کار و اشتغال ایفا کند نه این‌که به صورت رانت‌های اقتصادی و تعهدات مستقیم و غیرمستقیم برای دولت با پول مردم و امانت‌ها و سپرده‌های مردم، دیگران و شرکت‌ها استفاده و تجارت کنند و سرمایه‌دار شوند. وام‌ها باید به قدر ضرورت و نیاز با کارایی بسیار بالا پرداخت شود، نه به صورت پول توجیهی و منابع عمومی که به هر صورت باید از آن استفاده کرد و احیاناً با نرخ کارمزد کم و حمایت‌ها و تضمین‌های دولت و تعهد خزانه کشور و در نتیجه، گروهی از این طریق به پول و ثروت برسند. مسلماً در آنجا که وظایف ارزشی و اخلاقی و ضرورت‌های ملی و انقلابی یا عدالت اجتماعی یا قداست خانواده یا مناطق محروم و اولویت‌های مربوط یا حوادث ناگوار ایجاب می‌کند، باید از آن حمایت کرد و دولت نیز باید تضمین و مساعدت کند. اما نه این‌که این قبیل تسهیلات، موجب پوشش ضعف‌ها و عدم کارایی‌ها یا خدای ناخواسته سوء استفاده‌ها و سوء مدیریت‌ها و ریخت و پاش‌ها بشود. در بسیاری از موارد، سیستم بانکی امانت‌دار پول مردم و قدرت خرید مردم است و باید بتواند با اقتدار و استقلال از قدرت خرید مردم دفاع کند و ارزش پول ملی را حفظ کند و هرگونه تعهدی را با منطق و استدلال بپذیرد.



## کنترل نقدینگی و مکانیزم‌های آن

با توجه به این که رشد نقدینگی و حجم شتابنده آن در سال‌های اخیر به ویژه سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ تأثیرات منفی فراوانی در جریان اقتصادی، اجتماعی کشور و روند قیمت‌ها و تورم دارد و موجب برهم‌زدن تعادل‌های اجتماعی و فرهنگ عمومی اقتصادی و پولی می‌شود و رفتارهای اجتماعی و عمومی را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهد، به گونه‌ای که حجم آن از ۳۶۰۰۰ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۷۱ به ۶۰۰۰۰ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۷۳ افزایش یافته و به تناسب آن تولید ملی افزایش نیافته، لازم است، تدابیر لازم جهت کنترل و هدایت آن اندیشیده شود و جلوگیری آثار مخرب و نوسان شدید قیمت‌ها گرفته شود. بسدین منظور، نکات زیر یادآور می‌شود:

الف- کنترل رشد نقدینگی و جلوگیری از افزایش بی‌رویه آن؛

ب- مدیریت و هدایت صحیح نقدینگی و جذب و جمع‌آوری آن جهت تأمین نیازهای سرمایه‌گذاری کشور.

ج- نظارت جدی بر کلیه اعتبارات و تسهیلات اعطایی سیستم بانکی و اجرای دقیق و صحیح قوانین و مقررات پولی و بانکی و برنامه‌ای و بودجه‌ای کشور.

د- کنترل کلیه مصوبات و دستورالعمل‌هایی که بار مالی و هزینه‌های دولت را بی‌رویه افزایش می‌دهد و اعطای تسهیلات در حد سررده‌ها و ذخایر

اضافی.

ه- جلب اعتماد عمومی نسبت به سیستم بانکی جهت افزایش پس‌اندازها و نیز جلب اعتماد بیگانگان در زمینه سیستم بانکی و بازپرداخت تعهدات و به‌روزرودن حساب‌ها.

و- تنظیم سیاست‌های ارزی کارساز و کارآمد و جلوگیری از رشد بی‌رویه قیمت ارز.

ز- کاهش نرخ هزینه‌های پول و حذف هزینه‌های اداری غیرضروری.

ح- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، توجیه‌دار و مؤثر در اقتصاد ملی و با ارزش افزوده بالا و تسریع در بهره‌برداری از طرح‌های نیمه‌تمام و تخصیص منابع به سرمایه‌گذاری‌های زودبازده و مولد و کاهش تسهیلات در بخش‌های غیرمولد.

ط- کاهش بدهی‌های خارجی و تنظیم رابطه صحیح و منطقی بین تراز ارزی، تراز بازرگانی و صادرات نفتی و استفاده از اهرم تعرفه‌های گمرکی و سودبازرگانی.

ی- بررسی نسبت به ایجاد مؤسسات پولی، تسهیلاتی و بررسی‌های غیردولتی یا با مشارکت دولت جهت ایجاد رقابت سالم و سازنده.

ک- ایجاد رقابت سالم و سازنده بین بانک‌های موجود کشور و ایجاد بانک‌های استانی و رقابت در زمینه انواع فعالیت‌ها و این که نظام پرداختی بر مبنای کار و کارایی باشد و نیز بر مبنای

استفاده از اختیارات و اصلاح روش‌ها جهت جذب بیشتر نقدینگی، کاهش هزینه‌های پول، افزایش کارایی و...  
 ل- اصلاح نظام مالیاتی و کارآمد کردن آن جهت دریافت مالیات حقه دولت به ویژه در زمینه‌های غیرتولیدی و پول‌های بسادآورده و کنترل کلیه درآمدهای اشخاص و دریافت مالیات بر اساس شناسنامه مالی و درآمدی و هزینه‌های اشخاص و یک جادیدن تمامی درآمدهای حاصله از مردم، تحت عناوین گوناگون.

م- خصوصی سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی و نیمه دولتی به بخش‌های غیردولتی یا به صورت مشارکتی با حفظ مدیریت دولت جهت جذب نقدینگی و کاراکردن نظام اقتصادی و اجرای صحیح قانون مربوطه.

ن- ثبات در سیاست‌ها و جلوگیری از نوسانات شدید یا حرکت‌های زیگزاگی و...

س- استفاده از اوراق مشارکت، قرضه ملی، بازارهای بورس با شیوه‌های مناسب، کارآمد و قابل قبول.

ق- کنترل هزینه‌های جاری دولت و شرکت‌های وابسته به دولت و ایجاد تعادل لازم در بودجه کل کشور.

ل- گسترش فرهنگ کار و تولید و حاکمیت نظم و انضباط مالی و پولی در کلیه دستگاه‌ها و ارگان‌ها و نظام اقتصادی

کشور.

ص- حداکثر بهره‌وری از امکانات موجود کشور و منابع و ظرفیت‌ها و تأکید بر استفاده از امکانات داخلی به جای واردات یا خریدهای کلید در دست.

ع- کنترل کلیه قراردادها و قیمت‌های تمام شده و نظارت و کنترل بر این بخش و اجرای مکانیزم‌های لازم برای متعادل کردن قیمت کالاها و خدمات و زمان‌بندی مناسب و جلوگیری از تعدیل‌های سنگین یا تأخیر زمانی غیرمتعارف.

ف- کنترل واردات و تأکید بر صادرات غیرنفتی و با ارزش افزوده بالا.

ض- مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

ث- حمایت از اشتغال سالم و مولد و سرمایه‌گذاری تولیدی و تشویق و تقویت عواملی که به قدرت تولید ملی منتهی می‌شود و افزایش رقابت و رفع انحصارات و اولویت بندی در طرح‌های عمرانی و شروع براساس تبصره ۵ قانون برنامه دوم.

و به طور کلی، استفاده از نقدینگی به صورت یک عامل سازنده و مؤثر نه مزاحم و تقویت کننده اقتصاد ملی نه سوداگری و دلالی و پرورش روحیه کار و تولید نه فرهنگ انگلی و تنبلی جهت کارایی هر چه بیشتر عوامل اقتصادی و سازندگی.



## ■ طرح چند هدف محدود و سازگار برای برنامه سوم

دفتر بررسی‌های اقتصادی

### مقدمه

نقش اساسی در توسعه صادرات نیست. آنچه در سطور زیر می‌آید، دیدگاهی جایگزین در امر برنامه‌ریزی است که فقط چند هدف اصلی را دنبال می‌کند و اجازه می‌دهد تا سایر متغیرها به تبع آن شکل بگیرند.

### اهداف مورد نظر

به طور کلی هدف نهایی یک برنامه مطلوب، تولید بیشتر، عدالت اجتماعی و کاهش فقر است. طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵ نیروی کار به میزان ۶۵ درصد و موجودی سرمایه نزدیک به ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. اما در همین دوره، تولید ناخالص ملی تنها به میزان ۲۵ درصد بالا رفته است. لذا عدم کارایی در عملکرد سیستم اقتصادی کاملاً مشهود است. می‌توان با بهره‌گیری از پتانسیل‌های اقتصادی موجود رشد

تجربه برنامه‌ریزی اقتصادی در کشور را به واقع نمی‌توان یک تجربه موفق قلمداد کرد؛ چرا که برنامه‌های کشور چنان اهداف متعدد و آرمان‌گرایانه‌ای را دنبال کرده است که گویی با هیچ‌گونه محدودیت منابع و اولویت در تخصیص آنها روبه‌رو نیست. در نتیجه، آنچه در عمل به وقوع می‌پیوندد آن است که به دلیل تعدد اهداف، محدودیت منابع و تضاد در سیاست‌ها، اکثر قریب به اتفاق اهداف مورد نظر حاصل نمی‌شود و چرخش در سیاست‌ها امری معمول می‌شود. به عنوان مثال، توسعه صادرات غیرنفتی یکی از اهداف اصلی برنامه دوم توسعه است، اما در همین برنامه، کشاورزی محور توسعه قلمداد می‌شود که به دلیل محدودیت آب و خاک اصولاً قادر به ایفای

کاهش نرخ ارز مؤثر است. در نتیجه، قدرت رقابتی کالاهای صادراتی به شدت کاهش یافته است. به علاوه، شرایط رکود جهانی منجر به کاهش قیمت دلاری کالاهای صادراتی شده، به طوری که علی‌رغم صادرات غیرنفتی بیشتر، دریافتی دلاری ما کمتر بوده است. بنابراین، در شرایط حاضر، هیچ مزیتی برای رشد صادرات غیرنفتی فراهم نشده و از نظر قدرت رقابت بین‌المللی، تقریباً شرایط مشابهی با اوایل سال ۱۳۷۴ داریم.

### ب- افزایش اشتغال

رشد سریع جمعیت در سال‌های پس از انقلاب و مشارکت روزافزون زنان در بازار کار و عدم تکافوی یک شغل در تأمین معیشت خانواده باعث شده است تا جمعیت خواستار شغل به شدت افزایش یابد. بدیهی است که عدم پاسخ‌گویی به این نیاز، گذشته از گسترش دامنه فقر، دارای تبعات خاص سیاسی و اجتماعی خواهد بود.

### ج- مردمی کردن اقتصاد

حضور بیش از حد دولت در اقتصاد، نه تنها او را از امور اصلی باز داشته، بلکه به صورت مانعی در جهت جلب مشارکت مردم در اقتصاد درآمده و اصل کارایی را نیز به شدت تضعیف کرده است. بنابراین، کاهش تصدی‌های غیرضرور دولت، نه تنها مشوق رقابت و کارایی در شرکت‌های دولتی خواهد شد، بلکه این امکان را فراهم خواهد ساخت که دولت در مورد وظایف اصلی

اقتصادی را به طور قابل توجهی در یک دوره زمانی کوتاه افزایش داد. دو هدف عدالت اجتماعی و رشد کارایی اقتصادی را می‌توان در قالب چهار سیاست اصلی افزایش صادرات غیرنفتی، مردمی کردن اقتصاد، کنترل تورم و کاهش بیکاری به طور سازگاری دنبال کرد. کاهش تورم و بیکاری، از ملزومات اساسی عدالت اجتماعی است و خصوصی‌سازی (پسا مردمی کردن) و توسعه صادرات غیرنفتی نیز کارایی اقتصادی را افزایش می‌دهد.

اگر یک برنامه بتواند چند متغیر اصلی و با اولویت را به دست آورد، به مراتب بهتر از آن است که صدها هدف ریز و درشت را دنبال کند و به هیچ یک از آنها نیز نرسد. در ادامه به تشریح این اهداف به طور مبسوط‌تری می‌پردازیم.

### الف- توسعه صادرات غیرنفتی

وابستگی کشور به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام از یک سو و نوسانات شدید این درآمدها و پایان‌پذیری ذخایر نفتی کشور به ما می‌گوید که باید هر چه سریع‌تر به قطع این وابستگی همت گماریم. طی سه ساله اخیر، نرخ مؤثر ارز واقعی کاهش یافته است. زیرا اولاً، نرخ تورم بیشتر از افزایش قیمت ارز واریزنامه‌ای بوده است. ثانیاً، دلار در مقابل سایر ارزها طی دو سال گذشته ۲۰-۳۰ درصد افزایش یافته و در حالی که ریسال ایران در مقابل دلار ارزش‌گذاری می‌شود، این نتیجه به مفهوم





خصوصی شده تا حدود ۳۰ درصد کاهش یابد. بدیهی است که دولت می‌تواند با بخشی از عواید حاصل از واگذاری شرکت‌ها به مردم، در زمینه بازآموزی نیروی کار اخراج شده اقدام کند و با فعال سازی طرح‌هایی که هم‌اکنون به دلیل کمبود اعتبارات راکد مانده‌اند، به سرعت نسبت به جذب آنها به بازار کار اقدام نماید. پس این تضاد نیز قابل حل است.

#### برنامه توسعه

همان‌گونه که می‌دانیم یک برنامه توسعه اقتصادی تنها به هدف‌های مذکور در صفحات قبل محدود نمی‌شود؛ بلکه باید در زمینه زیربخش‌هایی نظیر صنعت، کشاورزی و... نیز حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد. سیاست‌های پولی، مالی و ارزی باید تبیین شود و از همه مهم‌تر، تخصیص منابع باید به شکلی دقیق صورت گیرد. آیا چارچوب پیشنهادی ما حرفی در این زمینه‌ها برای گفتن دارد؟ جواب مثبت است. وقتی چند هدف اصلی تعیین شوند، اهداف و سیاست‌ها و تخصیص منابع در بخش‌ها و زیربخش‌ها به تبع آنها تعیین خواهند شد و چارچوب کلی برنامه به دست خواهد آمد. به عنوان مثال، محوریت صادرات غیرنفتی دارای الزامات زیر خواهد بود:

الف- تخصیص منابع باید به سمت صنایع تولیدکننده کالاهای صادراتی یا دارای مزیت نسبی سوق داده شود و استراتژی تجاری کشور باید از جایگزینی واردات، به توسعه

خویش‌اقدام بیشتری به عمل آورد.

#### د- ثبات قیمت‌ها

تجربه نشان داده است که تورم به بدتر شدن توزیع درآمدها و فشار بر اقشار آسیب‌پذیر منجر می‌شود. بنابراین، در شرایط فعلی لازم است ترتیبی اتخاذ شود که قیمت‌ها افزایش نامعقولی پیدا نکنند و ضمن جلوگیری از تشدید فشار بر گروه‌های کم‌درآمد، جنبه عدالت اجتماعی برنامه توسعه نیز حتی‌الامکان رعایت شده باشد و حمایت سیاسی لازم برای ادامه برنامه به خطر نیفتد. برخی مطالعات نشان داده‌اند که تورم خفیف لطمه‌ای به روند توسعه وارد نمی‌سازد؛ اما تورم‌های شدید به روند مزبور لطمه وارد می‌سازند.

#### هماهنگی اهداف مورد نظر

اگر اهداف تعیین شده مستلزم سیاست‌های متضاد باشند، دست‌یابی به آنها دشوار خواهد شد. گرچه حتی در این صورت نیز نظریه‌های اقتصادی حاکی از آن است که اگر تعداد ابزارهای سیاستی مساوی تعداد اهداف باشند، با جهت‌گیری هر ابزار به سمت هدفی که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرد، می‌توان به اهداف متضاد نیز دست یافت.<sup>۱</sup> خوشبختانه بین اهداف مورد نظر ما تناقض جدی به چشم نمی‌خورد و تنها تضاد مشهود بین اهداف فوق، میان اهداف «خصوصی سازی» و «افزایش اشتغال» دیده می‌شود؛ زیرا تجربه جهانی نشان داده است که خصوصی‌سازی در کوتاه مدت باعث می‌شود تا میزان اشتغال در شرکت‌های

۱. این بحث در اقتصاد، تحت عنوان "Assignment Problem" مطرح شده است.

## گزارش ویژه

پس اندازهای داخلی و خارجی است که ثبات نسبی قیمت‌ها از طریق مثبت کردن نرخ واقعی سود، گام مؤثری در این زمینه خواهد بود.

ب- افزایش سریع اشتغال، مستلزم سرمایه‌گذاری در صنایع کاربر است که شناورسازی نرخ ارز و جهت‌دهی منابع به سمت بخش‌های صادراتی که عمده‌تأ صنایع کاربر و انرژی‌بر هستند، در راستای این هدف خواهد بود.

ج- توسعه صنایع صادراتی از آنجا که با مسئله کیفیت نازل تولیدات داخلی و بازار محدود کشور مواجه نیست، قادر است فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد کند.

د- اختصاص بخشی از عواید خصوصی‌سازی به فعال‌سازی طرح‌های عمرانی راکد می‌تواند ایجاد اشتغال کند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعیین چند هدف اصلی و هم‌جهت و تابع ساختن سایر اهداف و سیاست‌ها، نه تنها شانس دستیابی به اهداف اصلی را زیاد می‌کند، بلکه به ما امکان می‌دهد تا با تمرکز بر آنها بر مشکلات اصلی کشور چیره شویم. طبعاً چنین برنامه‌ای به دلیل شفافیت آن قابل اجراتر نیز خواهد بود و مانع از چرخش در سیاست‌ها خواهد شد؛ به ویژه آن که چنین برنامه‌ای از آغاز واقع‌گرایانه و با توجه به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی لازم برای اجرای کامل آن طراحی شده باشد.

□□□

(جایگزینی) صادرات تغییر کند.

ب- نرخ مؤثر واقعی ارز (قیمت کالاهای خارجی به داخلی) نباید کاهش یابد. به عبارت دیگر، یا نرخ ارز باید شناور شود یا در صورت تثبیت نرخ رسمی ارز صادراتی، باید اجازه افزایش نرخ واریز نامه در بورس داده شود.

ج- در صورت نیاز به سرمایه و تکنولوژی خارجی، باید زمینه لازم برای استفاده از آنها فراهم شود.

د- انضباط پولی و مالی باید به جد تعقیب شود تا ضمن دستیابی به هدف تثبیت قیمت‌ها، از افزایش‌های بی‌رویه هزینه تولید در داخل کشور که باعث تضعیف موقعیت رقابتی صادرات ما می‌شود، جلوگیری شود. خصوصی‌سازی با کاهش کسری بودجه دولت به این هدف کمک خواهد کرد.

ه- در تخصیص اعتبارات ارزی و ریالی باید طرح‌های صادراتی از اولویت برخوردار شوند و سیاست‌های مالی کشور نسبی‌باید تشویق‌کننده صادرات و سرمایه‌گذاری در صنایع صادراتی باشد. و- برای شرکت‌های دولتی باید اهداف صادراتی تعیین شود و با فروش بخشی از سهام آنها به سرمایه‌گذاران خارجی، زمینه صادرات آنها تقویت شود.

برای ایجاد اشتغال نیز الزامات زیر ضرورت خواهد داشت:

الف- افزایش سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی: این امر مستلزم جذب